

# نامزد اصلاح طلبان صدای مردم باشد

میلاذ نوروزی

عضو سازمان معلمان ایران

سرانجام بعد از کلی گمانه زنی و حرف و نقل و سخن ریز و درشت، شورای نگهبان با اعلام اسامی شش نفر از خیل ثبت نام کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم، نامزدهای نهایی انتخابات را معرفی کرد. ترکیب افراد معرفی شده تا حد خیلی زیادی همه را شوکه کرد. اغلب گمانه زنی‌ها برای این تحلیل دور میزد که این شورا این بار نیز همچون ادوار قبلی احدی از نامزدهای منتسب به جریان اصلاح طلب را تأیید نمی‌کند یا در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن در صورت تأیید صلاحیت، مختصات فرد یا افراد برگزیده شده به نحوی خواهد بود که اولاً امکان تکرار سناریوهای ۹۲ و ۹۶ به صفر برسد و درثانی آرا به نحوی متفرق و گسسته شود که نامزد اصلاح طلبان یا نامزدی که خود را اصلاح طلب می‌خواند امکان برد در این رقابت را نداشته باشد. مثلاً با انتخاب ۲ یا ۳ نامزد از حلقه‌های پیرامونی منتسب به اصلاح طلبان و اعتدال گرایان به نحوی که شرایط برای پیروزی نامزد مد نظر حاکمیت فراهم شود.

با این وجود گسست در اردوگاه دولت مستقر و ثبت نام پنج نامزد از درون اردوگاه دولت و افشای نامه منتسب به حلقه نزدیکان دولت که سفارش وزیر فرهنگ را به شورا کرده بودند و همچنین ورود لاریجانی به صحنه که تا حدود زیادی اغلب گمان می‌کردند این بار شورا در صدد جبران ظلمی که رهبری پس از رد صلاحیت او در انتخابات ۱۴۰۰ خواهان جبران‌ش شده بود برخواهد آمد و او را تأیید خواهد کرد و در نهایت بیانیه مشارکت مشروط جبهه اصلاح طلبان که مشارکت در انتخابات پیش رو را منوط به تأیید حداقل یکی از سه نامزد معرفی شده خود کرده بودند؛ همه و همه باعث شده بود تا ترکیب نهایی نامزدهای معرفی شده از سوی وزارت کشور با گمانه زنی‌ها و تحلیل‌های احتمالی قبل از اعلام شورای نگهبان تا حدود خیلی زیادی متفاوت باشد.

اما سؤال این است؛ البته فرض پیشینی در طرح این سؤال مبتنی بر این گزاره است که رفتار شورای نگهبان در انتخابات‌های پیشین به ویژه در چند انتخابات متأخر نظیر اسفند ۱۴۰۲ و خرداد ۱۴۰۰ ضمن کاهش مشارکت مردم و تنگ‌تر کردن حلقه انتخاب، موجب نزول شأن و

جایگاه انتخابات در افکار عمومی و در بین بسیاری از نخبگان شده است و ثمره‌اش برآمدن مجلس دوازدهم از دل کم رونق‌ترین انتخابات ادوار جمهوری اسلامی بوده است. با فرض و تصور منطق رفتار شورای نگهبان در خصوص انتخاب‌های پیشین و با رجوع به آرایش اسامی نهایی اعلام شده که پنج نفر از یک طیف و تنها یک نفر از جریان اصلاح طلب در آن حضور دارند آیا این شورا می‌خواسته هم ظاهر را رعایت کرده باشد و از بار انتقادات بر خود کاسته باشد و هم نتیجه را به نحوی نانوشته به سوی جریان مطلوب برخی حلقه‌ها و هسته‌های سخت قدرت هدایت کند؟ آیا همه سناریوهای محتمل پیرامون ترکیب معرفی شده و بازتاب آن در افکار عمومی لحاظ شده است و این شورا بدون نگرانی و حساسیتی از به هم ریختن نتیجه بازی، همه حالات آن را مورد ملاحظه قرار داده است؟ هر چه که هست دقیقاً پس از معرفی نامزدهای نهایی موجی از امید در بخشی از جامعه و به ویژه در فضای مجازی پیرامون نامزد مورد حمایت جبهه اصلاح طلبان شکل گرفته است؛ تا جایی که بسیاری از معترضان دیروز و همان‌هایی که مشارکت در انتخابات با کیفیت مد نظر شورای نگهبان را خیانت به آرمان‌های مردم و انقلاب تلقی می‌کردند امروز در حمایت از پزشکیان برآمده‌اند و به درستی البته بزرگ‌ترین رقیب او را قهر مردم با صندوق معرفی می‌کنند.

اما این تنها فقط صندوق رأی نیست که مهم است، عدم تحقق الزامات و استانداردهای مربوط به فرایندی که به صندوق رأی ختم می‌شود بخشی از مسأله‌ای است که باعث شکاف بین مردم و حاکمیت شده است و بخش مهم‌تر و البته خیلی جدی‌تر آن مربوط به بعد از صندوق است. چه تمهید و تصمیمی برای فردای پس از انتخابات فارغ از هر نتیجه‌ای اندیشیده شده است؟ یادمان نرود تا همین چندی پیش سخن از ضرورت رفراendum و بازنگری در برخی اصول قانون اساسی بخشی از خواست مردم معترض و جریان منتقد حاکمیت بود؟ یادمان نرود، تا همین چندی قبل و در اوج اعتراضات مردم از ضرورت تغییر در برخی رویه‌های حاکمیت و اصلاح ساختارها که منجر به بن بست و قبض بین مردم و حاکمیت شده است سخن گفته می‌شد؟ آیا صرفاً با پیروزی نامزد مورد حمایت جریان اصلاح طلب همه این امکان‌ها و خواسته‌ها محقق و شکافها ترمیم می‌شود؟ آیا مثلاً اگر بیش از نیمی از واجدین شرایط و حد نصاب قابل قبولی برای حاکمیت از منظر کسب مشروعیت در جامعه جهانی در انتخابات شرکت کنند، فاصله‌ها و گسست‌هایی که از آن سخن میرفت ترمیم می‌شود؟ آیا به فردا و امکانی که بعد از انتخابات در اختیار فرد منتخب خارج شده از صندوقها قرار دارد اندیشیده شده است؟ مبادا از فرصت انتخابات صرفاً به این بهانه بهره برده شود که به حاکمیت ثابت کنیم مردم حرف دیگری می‌زنند و چیز دیگری می‌خواهند؛ اما در موقع

عمل رو به همان مردم بگوئیم ما خواستیم اما حاکمیت همراهی نکرد. این اقدام حداقل بیش از دو بار در انتخابات‌های پیشین تجربه شده و آورده‌اش همیشه و اغلب یک گام به پیش و صد گام به پس بوده است. حداقل‌ترین انتظار از نامزد اصلاح طلبان این است که صدای آن بخش از مردمی باشد که نشان و صدایی از خود در حاکمیت نمی‌جویند و در سخنان، مواضع و برنامه‌هایش به شکل روشن، شفاف، بدون ملاحظات و سیاسی‌کاری‌های مربوط به کسب قدرت و بدون لکنت منادی خواست و مطالبات ایشان باشد. تنها در این صورت شاید نتیجه انتخابات شگفتی دیگری رقم بزند.

#اختصاصی سخن معلم